



آیامی دانیم زیر پوست شهر چه می گذرد؟

### نبض جامعه خوب نمی زند!

■ **محمد مهدی نیک ضمیر**

زیر پوست جامعه چه می گذرد؟ نگاهی گذرا به بیرونی ترین لایه اجتماعی در سطح شهر و کشور ما را با واقعیت های تلخی مواجه می سازد. مردان و حتسی زنانی که در گوشه و کنار خیابان در شهرهای بزرگی همچون پایتخت سر به گریبان فرو برداند و پایشان را پر و خالی می کنند یا زوروق لوله می کنند و برای ساعتی درد نشنگی شان را بالذت خماری جایگزین می کنند، بی آنکه متوجه عبور رهگذران باشند یا حتی روح نشنگی نایی بر توج به عبور عابران در کوچه و خیابان برایشان باقی گذاشته باشد. فراتر از مشاهدات اما آمارها هم از اوضاع مناسبی حکایت نمی کنند. آخرین آمار رسمی درباره اعتیاد نشان می دهد چیزی حدود ۳ میلیون معتاد داریم، واقعیت های اما باید در آمارهای غیر رسمی تر جست وجو کرد، آنهایی که نشان می دهد اوضاع اعتیاد از این حرفها جدی تر است.

هر چند اعتیاد خودش زیربنا و بستری برای بسیاری از آسیبهای دیگر است اما ماجرا به اعتیاد هم ختم نمی شود و آسیب هایی نظیر فقر و شکافهای طبقاتی نیز هر چند در دسته موضوعات اقتصادی طبقه بندی می شوند اما تفکسی مستقیم در ایجاد و تشدید آسیب های اجتماعی دارند. یا بین آمدن آمار ازدواج و بسلامت آمار طلاق و

### نگاه



رویکرد دلسوزانه به درمان آسیب های اجتماعی

## مسئولان مردم را عائله خود می دانند؟

جامعه همچون خانواده ای بزرگ است که آسیب رسیدن به یکی از اجزای این خانواده می تواند تمام خانواده را درگیر کند. شاید هم بتوان جامعه را همچون یک ارگانیسم زنده تصور کرد که اگر یکی از بخش های آن با پوروسی مواجه شود این ویروس و این بیماری می تواند به تمام بخش های دیگر تسری یابد و تمام این ارگانیسم زنده را از پای در آورد. از همین روست که بحث مدیوریت و مقابله با آسیب های اجتماعی از چند سال قبل به عنوان یکی از مطالبات جدی مقام معظم رهبری مطرح شد و ایشان دستور ستاد فرهنگی، اجتماعی و مدیریت ساماندهی آسیب های اجتماعی را در بالاترین سطوح صادر فرمودند. تا کنون چندین جلسه در این قرارگاه تشکیل شده، اما به نظر می رسد صرف تشکیل این جلسات با مطالبات رهبری در حوزه آسیب های اجتماعی فاصله قابل توجهی دارد.

رهبر معظم انقلاب درباره آسیب های اجتماعی می فرمایند: «درست است که ما در کشور در درجه اول مسئله اقتصاد را داریم و خود مشکلات اقتصادی می ایه عنوان یکی از آن عوامل ریشه ای این مفاسد، مورد توجه ماست، لکن مسئله مفاسد اجتماعی هم شرحی که در جلسه قبل داده شد، یکی از بیماری هایی است که هر روزی که بر آن بگذرد و علاج نشود، عمق بیشتری پیدا می کند و علاج دشوار تر خواهد شد. لذا مسئله فوق العاده مهم است.»

نگاه حضرت آیت الله خامنه ای به بحث آسیب های اجتماعی نگاهی دلسوزانه است. آنچنان که انگار هر فرد آسیب دیده یکی از فرزندان یا اعضای خانواده خودشان است. بر همین اساس هم خطاب به مسئولان تأکید می کنند: «ما مردم را باید عائله خودمان بدانیم. ما مسئولان کشوریم دیگر... این ملت، این کشور، این مرزها، این فضای

# آسیب های اجتماعی

آسیب های انجمنی ۸۸۴۹۸۴۷۱

گفت و گو

مریم زاهدی

گام دوم انقلاب و راهکار های مواجهه با آسیب های اجتماعی در گفت و گو با دکتر مجید کاشانی، جامعه شناس

# مردم عدالت توزیعی می خواهند حتی در مورد مضیقه ها



در حوزه آسیب های اجتماعی مواجه شدیم. از جمله این دلایل کمبود یا نقصان سیاست گذاری ها و عدم اجرا و تحقق برنامه های توسعه اقتصادی - اجتماعی اول تا ششم است. هر کدام از این برنامه ها با نقایص و کاستی هایی همراه بوده است. از نسوی دیگر عدم تحقق بسند چشم انداز و سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شدند و همچنین کم توجهی به برنامه ریزی های دراز مدت در گام اول انقلاب در شرایط کنونی جامعه کاملا مشهود است. در همین زمینه هم با تذکرات مقام معظم رهبری و برخی اندیشمندان اجتماعی به خوبی برای ما ملموس شد که درست است در گام اول حرکت ها رو به رشد و توسعه بوده، ولی برخی سیاست های اجرا نشده یا مغفول مانده در گام اول چالش هایی را در حوزه آسیب های اجتماعی برای ما به وجود آورده است.

**همان طور که اشاره داشتید آسیب های اجتماعی که امروز جامعه ما با آن مواجه است بخشی به دلیل شرایط پیش آمده کنونی همچون تحریم ها و بخش دیگر به دلیل اجرایی نشدن اسناد بالادستی و انحراف از اهداف و چشم انداز های گام اول انقلاب است. حالا در شرایط کنونی و در گام دوم باید چه تدابیری برای مدیریت این آسیب ها اتخاذ کنیم؟**

طبیعتاً در گام دوم برای اصلاح ساختارها و مقابله با آسیب های اجتماعی باید از این کاستی ها و قوانین اجرا نشده آغاز کنیم. مهم ترین موضوعی که در این زمینه باید به آن توجه داشته باشیم این است که در ابعاد فرهنگی و مسائل ارزشی حتی پیش از ایجاد اقتصادی دچار افول برای مدیریت این آسیب ها اقدام کنیم؟

نگرش های مادی گرایانه و مالی از پول به عنوان قدرت یاد می کنند و معتقدند که پول قدرت می آورد. طبیعی است که با این نوع نگرش مبنا مادی است که هیچ ارزش یا لطافت و عواطف انسانی و فرهنگی در آن دیده نمی شود.

در این نوع نگرش مشکلات اقتصادی می تواند اصل قرار بگیرد. نگرش های تفسیر گرایانه یا ارزش مدار اما با نگاه یک وجهی به مسائل اجتماعی موافق نیستند. نگرش های مادی گرایانه بیشتر پول را منشأ قدرت و تسلط بر دیگران می بینند اما نگرش های مذهبی و فرهنگی، مادیات را بالی برای پرواز و راهی برای رستگاری می دانند اما صرف نظر از بحث های فلسفی و نظری در واقعیت زندگی انسان ها مسلماً مادیات نقش تعیین کننده و زیادی دارد. خیلی از کشورها از همین منشأ دچار افول و تزلزل شدند. کمبودها و ضعف های مادی می تواند سبب بروز نا آرامی ها، اعتراضات و مطالبات مردم در سرزمین شود. نکته حائز اهمیت در این باره این است که مردم ما با زمینه تاریخی، سیاسی و فرهنگی طولانی که دارند پیش از کمبودهای اقتصادی انتظارات بر آورده نشده، آنچه می بینند تبعیض ها و ضعف در مدیریت است و گلايه مندند از تعارضات در برنامه های اجتماعی و عدم توزیع عادلانه ثروت و فرصت های شغلی، استفاده ای و به خصوص توزیع منابعی که در جامعه وجود دارد. این تبعیض ها و نابرابری ها به مراتب بیشتر از خود ماهیت کمبودها برایشان آزار دهنده است و آنها را بسیار شکننده می کند. در یک دهه اخیر تأکید زیادی در شعار های سال شده که همه بعد اقتصادی - اجتماعی دارند. نقطه ضعف ما در این زمینه کاهش یا افت سرمایه فرهنگی جامعه است که می تواند به عنوان آسیب برای جامعه ما مطرح شود. ما نمی گویم اقتصاد مهم نیست،

مردم دوست دارند عدالت توزیعی را در روابط اجتماعی شان ببینند. مردم انتظار دارند سازه ها را ببینند نه کلنگ زدن ها را، مردم می خواهند افزایش حقوقشان را مشاهده کنند، نه اینکه خبیر آن را بشنوند. در این غیر این صورت مردم از شعار های خوب و لیخندها و ظاهر سازی ها دلزده می شوند. حتی منابع کم و محدود را می توان در زندگی مردم آورد و اعتماد آنها را دوباره جلب کرد

## درد

اولین اقدامی که باید بشود بحث عدالت قضایی و عدالت توزیعی در جامعه است. در گام دوم انقلاب باید مردم حس کنند در برابر قانون و حتی در همان مضیقه هایی که هست مساوی هستند. در حوزه قضایی مردم انتظار دارند با جدیت تمام و با اهتمام و پاکدستی با قضاتی مواجه شوند که بسیار عادلانه قضاوت و از این رهگذر، از سرمایه ملی پاسداری می کنند. توزیع عادلانه ثروت و منابع جامعه بین همه اقشار یکی دیگر از مطالبات مردمی در گام دوم انقلاب است که می تواند بسط آسیب های اجتماعی را برچیند

اما بیشتر از خود اقتصاد، تبعیض های اقتصادی است که موجب آزار مردم از این ناحیه شده است، بنابراین بدون آنکه بخواهیم به مسائل اقتصادی بی توجه باشیم باید به مسائل ارزشی، اخلاق اجتماعی و تبعیض هایی توجه کنیم که مردم حس می کنند. این تبعیضات حتی ممکن است به آن میزان وجود نداشته باشد اما به مدد تبلیغات سوء خارجی همین که مردم احساس تبعیض و بی عدالتی می کنند فشار مضاعفی را بر آنها وارد می کند. بنابراین مسئله اقتصادی هم مهم است اما به نظر می رسد بیشتر از مشکلات اقتصادی احساس بی عدالتی و تبعیض است که مردم را آزار می دهد. ما زمان جنگ سهمیه بندی ها، توزیع کالاها با کوپن را شاهد بودیم اما مردم در برابر تمام این سختی های اقتصادی اعتراض نمی کردند. امروز اگر مطالبه گری مردم را مشاهده می کنیم این مسئله زیربنای فرهنگی دارد و به همان احساس تبعیض بازمی گردد.

**با عنایت به مباحثی که مطرح کردید برای گام دوم انقلاب و برای آنکه این آسیب ها سد میشوند و رسیعش است که مردم را آزار می دهد. نشود بد چه کار کرد؟**

اولین اقدامی که باید بشود بحث عدالت قضایی و عدالت توزیعی در جامعه است. در گام دوم انقلاب باید مردم حس کنند در برابر قانون و حتی در همان مضیقه هایی که هست مساوی هستند. در حوزه قضایی مردم انتظار دارند با جدیت تمام و با اهتمام و پاکدستی با قضاتی مواجه شوند که بسیار عادلانه قضاوت و از این رهگذر، از سرمایه ملی پاسداری می کنند. توزیع عادلانه ثروت و منابع جامعه بین همه اقشار یکی دیگر از مطالبات مردمی در گام دوم انقلاب است که می تواند بسط آسیب های اجتماعی را برچیند. مردم باید حس کنند ظلم و تبعیض، بی عدالتی و چپاول منابع ملی وجود ندارد و مدیریت دلسوز اسلامی با اعتقادات مذهبی در جامعه برقرار است. در گام دوم انقلاب مردم مایلند نتایج تصمیمات، سیاست ها و قوانین را به صورت ملموس در سر سفره های خود حس کنند. شاید این انتظار بحق مردم با گام اول انقلاب بسیار متفاوت شده است. مردم امروز به دنبال شعار های زیبا و ظاهر سازی نیستند. مردم به شدت مملگرا و عینی گرا شده اند، چون اعتماد ملی به واسطه جنگ رسانه ای و استعمار غرب از یک سو و به دلیل علنی شدن فساد اداری در سطح جامعه از یک سو و به خدشدار شده، لذا مردم بسیار عینی گرا شده اند و باید از شعار کم کرد و نسخه های عینی پیچید، بنابراین باید برنامه های ما در گام دوم عنیت داشته باشد و بیشتر از آنکه بشنویم، برای کسب وحدت و اعتماد ملی نیاز به برنامه های اجرایی کوتاه مدتی داریم که نتایج آن برای مردم ملموس و عینی باشد. مردم دوست دارند عدالت توزیعی را در روابط اجتماعی شان ببینند. مردم انتظار دارند سازه ها را ببینند نه کلنگ زدن ها را، مردم می خواهند افزایش حقوقشان را مشاهده کنند، نه اینکه خبیر آن را بشنوند. در این غیر این صورت مردم از شعار های خوب و لیخندها و ظاهر سازی ها دلزده می شوند. حتی منابع کم و محدود را می توان در زندگی مردم آورد و اعتماد آنها را دوباره جلب کرد. در گام دوم نخبگان، اندیشمندان، هنرمندان و افراد با نفوذ نیز وظایفی دارند. یکی از مهم ترین این وظایف اجتناب از موضع گیری هایی است که مغایر رویه های اسلامی - ایرانی و ارزش ها و هنجارهای اجتماعی است. امروز فقط دولت ها وظیفه ندارند بلکه به واسطه وجود رسانه های اجتماعی و شبکه های مجازی همه افراد امکان اظهار نظر دارند. نوع و تکرر رسانه ای عجیب نیست و می تواند فرصت باشد نه تهدید، البته مشروط به اینکه مردم به عنوان مخاطب اصلی این پیامها حضور تام داشته باشند و مدیران رسانه ای از این جریان و چرخش ارتباطات نهراسند، بلکه برای مدیریت آن برنامه داشته باشند که قطعا این برنامه با فیلتر کردن محقق نخواهد شد.

نکته مهم دیگر اینکه خانواده ایرانی - اسلامی در جامعه ما به شدت تضعیف شده و این مسئله به خاطر کم کاری هایی است که در این زمینه صورت گرفته است. لذا توجه به کیان خانواده و تقویت خانواده گرای در جامعه از موضوعات دیگری است که باید در گام دوم به آن توجه داشت. معنویت گرای و دین گرای از جمله موارد مهمی است که می تواند در کانون خانواده نهادینه شود.